

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/17

موضوع: بررسی مصداق «اهلبیت» در آیه تطهیر در منابع شیعه و سنی!

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

جریان فتح خیبر و عملکرد عجیب «عمر بن خطاب» که در روایات تحریف شد!!

«حدیث ثقلین» با تعابیر مختلف در منابع معتبر اهل سنت!

شما به خاطر این کار، باید فردای قیامت پاسخ بدهید!!

مصداق «اهلبیت» در آیه تطهیر و «حدیث ثقلین» با استناد به کتب اهل سنت

بررسی مصداق «اهل بیت» در کلام ائمه اطهار (علیهم السلام)

آیا طبق منابع اهل سنت، «آیه تطهیر» شامل همسران پیامبر نیز می شود!؟

تماس بینندگان برنامه

آیا استغفار ائمه اطهار (علیهم السلام) از باب ترک اولی بوده است!؟

مجری:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله

الطاهرین

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی حضرت ولی عصر». در اواخر ماه رجب قرار داریم، ماه ریزش و بارش رحمت الهی. امیدوارم تا این لحظه توانسته باشیم با اعمال و رفتار و طاعات و عباداتمان مستحق تفضل الهی در سیراب شدن از زلال نهر رجب قرار گرفته باشیم. به رسم یکشنبه شبها با برنامه «حبل المتین» مهمان دیدگان پرفروغ همه شما عزیزان هستیم، برنامه‌ای که این افتخار را داریم تا در محضر حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. ان شاءالله امشب هم بتوانیم کمال استفاده را از فرمایشاتشان ببریم.

ابتدا اجازه می‌خواهم یک سلام و عرض ادبی داشته باشم، ایشان هم همانند همیشه چراغ این محفل را با نور حضرت فاطمه زهرا فروزان‌تر بفرمایند.

امشب شب فتح خیبر هم هست، این مناسبت را هم خدمت شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم. ان شاءالله از حضرت استاد در این رابطه هم استفاده کنیم و بهره ببریم و ببینیم همین ایام و همین ساعات روز و شب قبل از خیبر چه اتفاقاتی افتاده بود. خدمت حضرتعالی سلام عرض می‌کنم، در خدمت شما هستیم؛

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار دادند، خالصانه‌ترین سلام را تقدیم می‌کنم و موفقیت بیش از پیش برای همه گرامیان از خداوند مٓان خواهانم.

ما برای اینکه برنامه و شبکه و خودمان و بینندگان عزیز را متبرک و بیمه حضرت صدیقه طاهره کنیم، یادی از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌کنیم.

روایات در فضائل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خیلی زیاد هست. یکی از این روایات این است که رسول گرامی اسلام فرمودند:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْصَبَهَا أَعْصَبَنِي»

هرکسی او را به غضب آورد، مرا به غضب آورده است.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص

1361، ح 3510

متأسفانه ما نمی‌دانیم این امت فردای قیامت چه پاسخی دارند. شاعر در زبانحال حضرت صدیقه طاهره می‌گوید:

روز روشن خانه‌ام را از جفا آتش زدند

این چنین بی حرمتی با خانه اعداء نشد

بهر ذی القربی مودت خواست قرآنت ولی

جز به قتل من ادا حق ذوی القربی نشد

همسری چون من به راه شوهر خود جان نداد

کودکی چون محسنم قربانی بابا نشد

ای قلم بنویس، ای تاریخ در خود ثبت کن

یک نفر در موج دشمن حامی زهرا نشد

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة أعیثنی

مجری:

احسنتم، طیب الله أنفاسکم. خیلی ممنون، بهره مند شدیم. الحمدلله این توفیق را داریم تا نور این محفل را با نام و یاد حضرت فاطمه زهرا بیشتر و فروزان تر کنیم.

الحمدلله این توفیق در محضر حضرتعالی نصیب ما شده است که گوش دهیم و از این فضائل بهره مند شویم. حضرت استاد خیلی خوشحال می شویم راجع به جریان خیر بشنویم. بالاخره قبل از اینکه وارد بحث شویم، این روش حضرتعالی هست که به این مناسبت ها توجه خاصی دارید. این هم فرصتی برای تمامی ما هست که بخواهیم از این فرصت ها نهایت استفاده را کنیم. از حضرتعالی راجع به جریان خیر بشنویم.

جریان فتح خیر و عملکرد عجیب «عمر بن خطاب» که در روایات تحریف شد!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمدلله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله أفضو امری إلی الله إن الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر یا أبا صالح المهدی ادرکنی

در رابطه با قضیه خیر باید چند جلسه به طور مفصل صحبت شود. آنچه خیلی مهم است، این است که آقای «ابن ابی شیبه» روایتی در این زمینه نقل کرده است.

«ابن ابی شیبه» که استاد «بخاری» است، متوفای 235 هجری است. ایشان کتابی به نام «المصنف» دارد که در این کتاب در حدیث 36894 به نقل از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می نویسد که حضرت فرمود:

«سار رسول الله إلى خيبر فلما أتاه بعث عمر ومعه الناس إلى مدينتهم أو إلى قصرهم»

رسول خدا به سوی خیبر رفت و هنگامی که به آنجا رسید عمر را به همراه مردم به سوی شهر یا قصر اهل خیبر فرستاد.

«فقاتلوهم فلم يلبثوا أن انهزم عمر وأصحابه»

عمر جنگید، اما طولی نکشید که او همراه همراهانش شکست خوردند.

«فجاء يجبنهم ويجبنونه»

عمر بن خطاب هم خودش می‌ترسید و هم سپاه را می‌ترساند.

قضیه خیبر ماجرای کوچکی نبود، زیرا پهلوانان و قهرمانانی همانند «مرحب» در آنجا حضور داشتند که خود معادل هفتاد نفر بودند.

«فساء ذلك رسول الله فقال لأبعثن إليهم رجلا يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله»

رسول اکرم ناراحت شدند و فرمودند: فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که هم خدا و پیغمبر او را دوست دارند و هم او خدا و پیغمبر را دوست دارد.

«يقاتلهم حتى يفتح الله له ليس بفرار»

او با این افراد می‌جنگد و پیروزی به نام او رقم می‌خورد و هرگز از جنگ فرار نمی‌کند.

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج 7، ص 396، ح

البته این روایت را در کتاب «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم» آورده‌اند، اما متأسفانه مبنایشان بر این بوده است که آنچه به صلاحشان نیست را حذف کنند.

در کتاب «صحيح بخارى» روایتی از «سهل بن سعد» نقل کرده است و تنها نوشته که پیغمبر اکرم در روز فتح خیبر فرمودند:

«لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ»

من فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که فتح به دست او رقم می‌خورد.

«فَقَامُوا يَرْجُونَ لِذَلِكَ أَيُّهُمْ يَعْطَى فَعَدَوْا وَكُلُّهُمْ يَرْجُو أَنْ يَعْطَى»

همه مردم به دنبال این بودند که این قرعه فال به نام خودشان بیفتد.

«فَقَالَ أَيْنَ عَلَى فَقِيلَ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ فَأَمَرَ فَدَعَى لَهُ فَبَصَقَ فِي عَيْنَيْهِ فَتَبَرَأَ مَكَانَهُ حَتَّى كَانَهُ لَمْ يَكُنْ بِهِ شَيْءٌ»

فردا علی بن ابی طالب آمد، در حالی که چشمان مبارکش درد می‌کرد. پیغمبر اکرم آب دهان مبارکش را بر چشمان امیرالمؤمنین انداختند و چشم حضرت خوب شد و خیبر را فتح کردند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1077، ح 2783

این روایت را «ابن ابی شیبیه»، «حاکم نیشابوری» و «سیوطی» نقل کرده است. با این حال مبنای این آقایان بر این است که صلاح ندیدند حقایق را نقل کنند. در اینجا نقل شده است که پیغمبر اکرم فرمودند:

«لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ أَوْ لِيَأْخُذَنَّ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يَجِبُهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَوْ قَالَ يَجِبُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَإِذَا نَحْنُ بِعَلَىٰ وَمَا نَزَّجُوهُ فَقَالُوا هَذَا عَلَيَّ فَأَعْطَاهُ رَسُولُ اللَّهِ الرَّايَةَ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج 3، ص 1357، ح 3499

در روایت دیگر از قول «سهل بن سعد» نقل شده است که مردم تا صبح دغدغه داشتند که ببینند این پرچم به دست چه کسی می افتد.

جالب اینجاست که بازم کتاب «صحيح مسلم» از قول خلیفه دوم نقل می کند که به نقل از «ابوهریره» است. ایشان ابتدای روایت که خلیفه اول و دوم رفتند و شکست خوردند را نیاورده است و تنها می نویسد:

«لَأُعْطِينَ هَذِهِ الرَّايَةَ رَجُلًا يَجِبُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ»

فردا این پرچم را به دست کسی خواهم داد که خدا و پیغمبر او را دوست دارند و فتح به دست او انجام می شود.

«قال عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ مَا أُخْبِتُ الْإِمَارَةَ إِلَّا يَوْمَئِذٍ»

عمر بن خطاب گفت: من فرماندهی و ریاست را دوست نداشتم جز این روز.

«قال فَتَسَاوَرْتُ لَهَا رَجَاءً أَنْ أُدْعَى لَهَا»

من گردنم را بلند کرده بودم و تصور می کردم پیغمبر اکرم مرا صدا می زند.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1871، ح 2405

بازهم در کتاب «صحيح مسلم» حديث 2406 همین قضیه نقل شده است و می‌نویسد:

«كلهم يزجون أن يعطاهَا»

همه صحابه انتظار داشتند پرچم به دست آنها داده شود.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1872، ج 4، ص 1872، ح 2406

این در حالی بود که جز امیرالمؤمنین کسی نتوانست پرچم را به دست بگیرد. حضرت رفتند و خیبر را فتح کردند.

حال بحث‌های دیگری هم در این زمینه وجود دارد، اما فرصت بیان آنها نیست. بنده در خاطرم نبود که امشب، شب فتح خیبر هست و الآن که حضرتعالی فرمودید یادم آمد.

البته ما قبلاً مباحثی پیرامون شورای شش نفره داشتیم. امیرالمؤمنین در آن شورا پنج نفر دیگر را قسم می‌دهد و می‌فرماید:

«أنشدكم بالله أمنكم من أعطاه النبي الراية، ففتح الله على يده خير غيري؟»

به خدا سوگند آیا در میان شما کسی غیر از من هست که پیغمبر اکرم پرچم را در خیبر به او داده باشد؟

«قالوا: اللهم لا»

گفتند: به خدا خیر.

مناقب علی بن ابی طالب (ع) وما نزل من القرآن فی علی (ع)، نویسنده: أحمد بن موسى ابن مردويه

الأصفهانی، وفات: 410، تحقيق: جمعه ورتبه و قدم له: عبد الرزاق محمد سين حرز الدين، چاپ: الثانية،

سال چاپ: 1424 - 1382 ش، چاپخانه: دار الحدیث، ناشر: دار الحدیث، شابک: 964-964-7489-08-0،

ص 130 - 133، ح 162

در آن جلسه «عثمان»، «سعد بن ابی وقاص»، «طلحه»، «زبیر» و «عبدالرحمن بن عوف» همگی گفتند در خیبر غیر از شما کسی نبود که پیغمبر اکرم این فضیلت را برای او بیان کند.

مجری:

الحمد لله که ما پیرو و شیعه چنین فردی شدیم و واقعاً باید گفت: الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولاية امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و الأئمة المعصومین (علیهم السلام).

بسیار خوب، از مطلع حضرت استاد خیلی استفاده کردیم. حال به اصل بحث خودمان برمی گردیم.

عزیزانی که همراه و پیگیر مباحث برنامه بودند، مشاهده کردند که ما بحث خطبه نود و دوم «نهج البلاغه» را شروع کردیم؛ خطبه‌ای که بسیار مورد استناد وهابی‌ها و وهابی زده‌های شیعه نما قرار گرفته است.

آن‌ها می‌خواهند از این خطبه دلیل بیاورند به جهت اینکه اثبات کنند و بگویند امر خلافت از جانب خداوند تعیین نشده بود، خلافت انتصابی نبود بلکه انتخابی بوده است!!

حضرت استاد بحث را مفصلاً آغاز کردند و به فرازهایی رسیدند که در حقیقت هرکدام از این فرازها حاوی علتی بوده است. استاد در ادامه بحث به این فراز رسیدند که امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«وَإِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ»

ابره‌ای تیره و تار افق‌ها را پوشانیده.

«وَالْمَحْجَّةُ قَدْ تَنَكَّرَتْ»

و راه مستقیم حق در این فضای ظلمانی ناشناخته باقی مانده است.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص 136، خ

92

ما در جلسه پیش از حضرت استاد خواستیم بفرمایند چه علی باعث این کار شد. حضرت استاد مفصلاً مطالبی از کتب اهل سنت آوردند که تماماً اجماع دارند بر اینکه اینها به جهت دوری از اهل بیت بوده است.

این افراد کاری کردند که مردم از ثقلین دور شوند و همین مایه اختلاف امت شد. ما پرسیدیم که اهل بیت چه کسانی هستند و اجمالاً مشاهده کردیم تمامی کتب با چندین سند مختلف در جاهای مختلف ذکر کردند که اهل بیت همان خمسه طیبه هستند.

حال می‌خواهیم ببینیم آیا در کتب اهل سنت به صورت معین و مشخص مصداق ذکر شده است که منظور از اهل بیت چه کسانی هستند؟! تا همین جا حجت تمام شده است، اما می‌خواهیم به صورت واضح چنین چیزی را ببینیم.

«حدیث ثقلین» با تعابیر مختلف در منابع معتبر اهل سنت!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در این خصوص که حدیث ثقلین از متواترات است و شیعه و سنی آن را نقل کرده اند، هیچ شکی نیست. اگر واقعاً کسی بخواهد در رابطه با حدیث ثقلین سندا مناقشه کند، گویا در رابطه با یک آیه از قرآن کریم مناقشه می‌کند. ما قبلاً هم اشاره کردیم که در روایاتی آمده است:

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی اهل بیتی ولن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة -
1415، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ج 4، ص 33، ح
3542

يا:

«انى تارك فيكم خليفتين»

حضرت کلمه «خَلِيفَتَيْنِ» را مطرح کردند، زیرا می‌دانستند که ممکن است آقایان زیر بار کلمه «الثقلین» نروند.
در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» آمده است که پیغمبر اکرم فرمودند:

«انى تارك فيكم خليفتين»

من دو جانشین در میان شما می‌گذارم.

«كُتِبَ لِلَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَوْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِترتى أَهْلُ بَيْتِى»

رسول گرامی اسلام در اینجا فرمودند «عترتى و اهل بیتی» و این عطف بیان هست.

«وَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ»

این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر نزد من آیند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة
قرطبة - مصر، ج 5، ص 181، ح 21618

ما از این آقایان سؤال می‌کنیم در حال حاضر که قرآن کریم موجود است، عترت چه کسانی هستند؟!

آیا غیر از شیعه امامیه که معتقد هست فرزند رسول الله حضرت مهدی (ارواحنا فداه) در قید حیات هست و منتظر امر الهی برای قیام و دعوت تمام دنیا به اسلام هست، آیا هیچ مذهبی چنین عقیده‌ای دارد که «لَنْ يَتَفَرَّقَا» شامل حال او شود؟!

جالب اینجاست که آقای «البانی» در کتاب «شرح جامع صغیر سیوطی» وقتی به این روایت: «إني تارك فيكم خليفتين: كتاب الله حبل ممدود...» می‌رسد، می‌نویسد:

«صحيح»

صحيح الجامع الصغير وزيادته؛ المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ)، الناشر: المكتب الإسلامي؛ ج 1، ص 482، ح 2457، باب حرف الألف

حال ما به دنبال چه می‌گردیم؟! بازهم در کتاب «مسند ابن ابی شبيه» استاد «بخاری» نسبت به این روایت تعبیری دارد و می‌نویسد:

«إني تركت فيكم الخيفتين كاملتين: كتاب الله، وعترتي، وإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

من دو خلیفه کامل در میان شما می‌گذارم و می‌روم؛ کتاب خدا و عترت من. آن‌ها از همدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض نزد من آیند.

مسند ابن أبي شيبه، اسم المؤلف: أبي بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه، دار النشر: دار الوطن - الرياض - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي و أحمد بن فريد المزبدی، ج 1، ص 108، ح 135

شما به خاطر این کار، باید فردای قیامت پاسخ بدهید!!

جالب اینجاست که محقق این کتاب می‌نویسد: سند روایت ضعیف است، اما روایت صحیح است!!! البته ما کاری به سند روایت نداریم. ما تنها می‌خواهیم ببینیم که این روایت از پیغمبر اکرم صادر شده است یا خیر که آنها معتقدند روایت از پیغمبر اکرم صادر شده است.

ضعف سند به خاطر «شریک نخعی» است که ما کاری با ایشان نداریم. محقق کتاب در ادامه می‌نویسد که آقای «هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» این قضیه را آورده و می‌گوید که سند روایت صحیح است.

همچنین می‌نویسد که روایت در کتاب «سلسلة الأحادیث الصحیحه» اثر «البانی» نقل شده است و سند آن صحیح است. این قضایا کاملاً واضح و روشن است.

مجری:

همین که سند روایت ضعیف است، اما روایت را صحیح می‌دانند خود تعریضی به تواتر این روایت است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آن‌ها این روایت با تعبیر «الخلیفین کاملتین» را می‌گویند. محقق می‌گوید سند این روایت به خاطر «شریک نخعی» مشکل دارد. البته بنده یک مورد ندیدم محققین روایاتی که «شریک» در فضائل ابوبکر و عمر نقل کرده است را ضعیف محسوب کنند!!

«ذهبی» در کتاب «میزان الاعتدال» وسط یک صفحه روایتی در فضائل امیرالمؤمنین نقل می‌کند و سپس می‌نویسد: اصلاً از «شریک» بعید است که چنین روایتی را نقل کند.

او در چند سطر پایین‌تر روایتی از قول «شریک» در رابطه با فضائل ابوبکر نقل می‌کند، اما در اینجا دیگر هیچ اعتراضی ندارد.

فردای قیامت محکمه عدل الهی تماشایی است. بنده بارها گفتم که «مرحوم شیخ صدوق (رضوان الله تعالی علیه)» می‌فرمودند: من را در قم و نجف دفن نکنید.

ایشان می‌فرمودند: ما در روایت داریم وقتی کسی در خاک قم و نجف دفن می‌شود، زمانی که از قبر بیرون می‌آید بدون حساب وارد بهشت می‌شود و قیامت را نمی‌بیند. اطرافیان به ایشان عرضه می‌داشتند: این که خیلی خوب است.

«شیخ صدوق» می‌فرمود: من می‌خواهم قیامت را ببینم و مشاهده کنم کسانی که در حق امیرالمؤمنین ظلم کردند چه جوابی دارند!! همچنان که در کتاب «صحیح بخاری» آمده از قول امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است که فرمود:

«أنا أَوَّلُ من يَجْتُو بين يَدَي الرحمن لِلْخُصُومَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

اولین محکمه‌ای که در روز قیامت از اولین تا آخرین تشکیل می‌شود، محکمه عدل من است.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 4، ص 1458، ح 3747

امیرالمؤمنین به صراحت می‌فرماید کسانی که در حق من ظلم کردند، باید در قیامت در این محکمه پاسخگو باشند.

این دنیا ملاک و محور نیست. ما نهایت در این دنیا صد و بیست سال عمر می‌کنیم. پس از آن در برزخ و قیامت چندین سال معطل می‌مانیم و بعد از آن در بهشت یا جهنم سالیان سال می‌مانیم.

اگر شما یک عدد بگذارید و به اندازه تمام ذرات عالم صفر جلوی آن بگذارید باز هم نمی‌توانید تعداد سال‌های قیامت را حساب کنید، زیرا:

(خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا)

و همیشه در آن خواهند ماند.

سوره نساء (4): آیه 57

آیا می‌ارزد انسان به خاطر نهایت صد سال این چنین پا روی وجدان و حقایق بگذارد؟! این افراد باید به این فکر باشند که در قیامت باید پاسخ بدهند.

همچنین شبکه‌های شیطانی وهابی که هر روز بساطی را پهن می‌کنند، باید فردای قیامت پاسخ بدهند. این دنیا ملاک نیست!

«فرعون» چند سالی حکومت کرد، اما عاقبت او چه شد! «شداد» هم چند سالی قدرت را به دست گرفت. امثال «ابوجهل» و «ابولهب» هم در طول عمر خود ظلم‌ها کردند.

افرادی که تا شب عاشورا در رکاب حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) بودند، همین که فهمیدند از غنایم جنگی خبری نیست برگشتند و رفتند. آیا آنها هم در دنیا جاودانه ماندند یا آنها هم مُردند؟! کسانی هم که در رکاب امام حسین باقی ماندند هم کشته شدند.

این دنیا برای ما عبرت خانه هست. وقتی امام حسین به اصحاب می‌فرماید که شما بروید و دست اهل و عیال مرا هم بگیرید و با خود ببرید، امثال «زهیر» و «قیس» می‌گویند: اگر هفتاد بار هم کشته شویم و سپس زنده شویم، دست از تو بر نمی‌داریم.

اصحاب عرضه می‌دارند: اگر هزاران بار کشته شویم و جسد ما را در آتش بسوزانند و خاکستر ما را به باد بدهند و دوباره زنده شویم، دست از تو بر نمی‌داریم.

این افراد هم رفتند و نامی جاودانه از خودشان باقی گذاشتند، به طوری که امروزه تمام دنیا آنها را تحسین می‌کند. اگر امروزه اثری از اسلام هست، به برکت خون پاک شهدا و اسارت اهل بیت حضرت سیدالشهدا است.

مشاهده کنید وقتی ماه رمضان با آن عظمت از راه می‌رسد، با وجود آزادی‌هایی که امروزه آمده است هیچ خبری از اشتیاق برای گرفتن روزه نیست.

در مقابل زمانی که روز عاشورا فرا می‌رسد، غالباً تمام مردم اعم از شیعه و اهل سنت در عزای حضرت سیدالشهدا بی اختیار حضور پیدا می‌کنند.

حضور مردم تنها از روی عشق و علاقه نیست، بلکه جذبه امام حسین و خون پاک حضرت که می‌جوشد عشق و علاقه مردم را به هیجان درمی‌آورد. این یک نوع از دنیا رفتن هست و مردن دیگران هم نوع دیگری از دنیا رفتن است. انتخاب کدام یک بهتر است؟!

بنده بارها گفتم که ما استادی در قزوین داشتیم که در سال‌های 1346 یا 1347 خدمت ایشان بودیم. ایشان روزی جمله‌ای گفتند که بنده اصلاً تکان خوردم.

ایشان می‌گفتند: من چهل سال است زیارت عاشورا می‌خوانم، به امید اینکه این فقره از زیارت در طول این چهل سال یک مرتبه به اجابت رسیده باشد.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ص»

ایشان استاد بزرگی بودند. وقتی بنده دیدم که ایشان این مطلب را با یک شور و حال خاصی بیان می‌کنند، تمام رگ‌های بدن من به لرزه درآمد. بنده کمتر موعظه‌ای دیدم که اینطور در روح و جسم و روان من اثر بگذارد.

الحمد لله رب العالمین ما از نوجوانی تلاش کردیم خواندن زیارت عاشورا را ادامه بدهیم تا شاید در طول عمرمان یک روز این فراز؛ «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخِيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ص» به اجابت رسیده باشد. همچنین شاید یک روز این فراز؛

«وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَتَلَّعَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»

به اجابت رسیده باشد. شاید یک روز این فراز؛

«وَ أَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يَعْطِينِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ»

فرازهایی از زیارت عاشورا

اگر یکی از این فرازها برای ما به اجابت برسد، برای دنیا و آخرت ما کافی است و هیچ چیزی نمی‌خواهیم. به اجابت رسیدن یکی از این فرازها برای خودمان و اجدادمان تا حضرت آدم و برای نسل مان تا قیام قیامت کافی است.

مصدق «اهلبیت» در آیه تطهیر و «حدیث ثقلین» با استناد به کتب اهل سنت

حال در خصوص اینکه حضرتعالی پرسیدید مصداق اهلبیت چه کسانی هستند، ما در جلسه گذشته مصداق اهلبیت را از دیدگاه صحابه آوردیم.

«ابو سعید خدری» می‌گوید: مراد از ثقلین و مراد از کسانی که در آیه تطهیر آمدند، جز خمسه طیبه کسی نیست.

«أم سلمه» همین تعبیر را دارد. همین تعبیر از قول عایشه نقل شده است. جماعتی از تابعین اعم از «مجاهد»، «قتاده» و دیگران همگی نقل کردند که مراد از آیه تطهیر و مراد از ثقلین خمسه طیبه هستند.

حال در خصوص نظر علمای اهل سنت که حضرتعالی اشاره کردید، در کتاب «المعتصر من المختصر من مشکل الآثار» اثر «قاضی ابو المحاسن» یکی از فقهای احناف آمده است که آیه سی و سوم سوره احزاب خطاب به ازواج پیغمبر اکرم است.

(وَ أَقْمِنَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْنَ الزَّكَاةَ وَ أَطَعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ)

و نماز را بر پا دارید و زکاة را ادا کنید، و خدا و رسولش را اطاعت نمائید.

سپس زمانی که به آیه شریفه:

(إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيراً)

خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سوره احزاب (33): آیه 33

می‌رسد، می‌نویسد:

«استئناف»

یک جمله مستقلی است.

«تشریفاً لأهل البيت وترفیفاً لمقدارهم»

سپس می نویسد:

«ألا ترى أنه جاء على خطاب المذكر»

آیا نمی بینی خطاب مؤنث به مذکر تبدیل شد.

«فقال: عنكم ولم يقل: عنكن»

و گفت: عنکم. در اینجا نگفت: عنکن.

«فلا حجة لأحد في إدخال الأزواج في هذه الآية»

هیچکسی دلیلی ندارد که همسران پیغمبر اکرم را در این آیه داخل کند.

المعتصر من المختصر من مشكل الآثار، المؤلف: يوسف بن موسى بن محمد، أبو المحاسن جمال الدين

المَلطى الحنفى (المتوفى: 803 هـ)، الناشر: عالم الكتب - بيروت، ج 2، ص 267، باب في اهل البيت

آقای «ابوبکر آجری» متوفای 360 هجری در کتاب «الشريعة» می نویسد:

«وَهُمْ: عَلِيٌّ، وَفَاطِمَةٌ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ»

الشريعة، المؤلف: أبو بكر محمد بن الحسين بن عبد الله الأجرى البغدادي (المتوفى: 360 هـ)،

المحقق: الدكتور عبد الله بن عمر بن سليمان الدميحي، الناشر: دار الوطن - الرياض / السعودية، الطبعة:

الثانية، 1420 هـ - 1999 م، ج 5، ص 2200، باب كتاب جامع فضائل أهل البيت رضي الله عنهم

«آلوسی» که خود سلفی الاعتقاد است، در کتاب «روح المعانی» جلد بیست و دوم به صراحت می گوید:

«وأخبار إدخاله صلى الله تعالى عليه وسلم عليا وفاطمة وإبنيهما رضي الله تعالى عنهم تحت الكساء

وقوله عليه الصلاة والسلام اللهم هؤلاء أهل بيتي ودعائه لهم وعدم إدخال أم سلمة»

روایاتی آمده است که پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین را زیر کساء برد و فرمود آنها اهل بیت من هستند و برای آنها دعا کردند و به ام سلمه اجازه داخل شدن ندادند.

«أكثر من أن تحصي»

این روایات فراتر از شمارش است.

«وهي مخصصة لعموم أهل البيت بأى معنى كان البيت»

این روایات عموم اهل بیت را تخصیص می‌دهد به هر معنایی که بیت باشد.

«فالمراد بهم من شملهم الكساء ولا يدخل فيهم أزواجه»

مراد از اهل بیت کسانی است که زیر کساء بودند و ازواج پیغمبر داخل کساء نمی‌شوند.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 22، ص 14، باب الأحزاب: (33) وقرن فی بیوتکن... ..

این موارد واضح و روشن است. «حاکم نیشابوری» هم در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» با سند صحیح همین تعبیر را دارد و می‌نویسد:

«أهل بيتي عليا وفاطمة والحسن والحسين»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیشابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 159، ح 4709

همچنین «طحاوی» در کتاب «شرح مشکل الآثار» جلد دوم می‌نویسد:

«وَأَنَّ الْمُرَادِينَ بِمَا فِيهَا هُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَى وَفَاطِمَةَ وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دُونَ مَنْ سِوَاهُمْ»

در اینجا مراد از اهل بیت رسول الله و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) است و غیر از اینها هیچکسی شامل نیست.

شرح مشکل الآثار، اسم المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان / بیروت - 1408 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، ج 2، ص 245،
بَابُ بَيَانِ مُشْكِلي مَا رُوي عَنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُرَادِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ
الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا مِنْ هُمْ

عموم اهل سنت و کسانی که حرفی برای گفتن دارند، همگی گفته‌اند که مراد از اهل بیت مخصوصاً در مصداق آیه تطهیر جز رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین هیچکسی نیست.

این قضیه بسیار واضح و روشن است و به قول «آلوسی» مخصص تمام مسائلی است که لغتا یا در قرآن کریم یا در حدیث اهل بیت به هر معنا «بیت» آمده باشد.

همانطور که ما بارها در رابطه با شأن نزول روایات گفتیم، این قضیه مراد خداوند عالم را تبیین می‌کند.

ما بارها گفتیم که در سوره مبارکه توبه آیه 40 نامی از ابوبکر نیامده است، اما آقایان اهل سنت ادعا می‌کنند این آیه در حق ابوبکر است به این خاطر که ما روایات داریم و شأن نزول آن آیه غار است.

اهل سنت همچنین معتقدند آیه 11 از سوره مبارکه نور در خصوص عایشه است و هرکسی آن را انکار کند کافر است. در این آیه نامی از عایشه نیامده است، اما اهل سنت ادعا می‌کنند که ما در این خصوص روایت داریم.

چطور می‌شود که در مورد آن آیات، روایت حجت است، اما در آیه تطهیر و آیه ولایت و آیه اکمال و آیه ابلاغ شأن نزول و روایات حجت نیست. یک بام و دو هوا معنا ندارد!

مجری:

الحمدلله بسیار زیبا فرمودید، از محضرتان استفاده کردیم و صریح‌تر از این نمی‌شد بیان کرد.

رسول گرامی اسلام به صراحت ابراز می‌کنند که اهل‌بیت تنها این بزرگواران هستند و بعد از این تصریح می‌کنند که حواستان باشد کسی دیگر را داخل نکنید و حتی ازواج نبی داخل آنها نشوند.

حضرت استاد بسیار زیبا و جامع و کامل فرمودند و الحمدلله ما هم توانستیم از مصادر و مستندات اصلی ببینیم و این قطعاً برای اهل تحقیق غنیمت است.

همانطور که مطلع هستید، همه ما در برنامه «حبل‌المتین» در بسیاری از مواقع به دنبال این هستیم که نظرات مختلف را از کتب اهل سنت ببینیم.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود و قطعاً منتظر آن هم هستیم، این است که در نظر اهل‌بیت چه کسانی می‌توانند مصداق این آیه باشند.

ما دوست داریم پاسخ این سؤال را هم بشنویم، اما ابتدا یک فاصله کوتاهی می‌گیریم و میان برنامه‌ای می‌بینیم و بعد حتماً پاسخ این سؤال را از حضرت استاد جویا خواهیم شد.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی حضرت ولی عصر». الحمدلله تا اینجا از محضر استاد بسیار استفاده کردیم و همه شما هم شاهد بودید که ما هرچه گفتیم و هرچه دیدیم تمامی از مصادر و مستندات اهل سنت بود.

همانطور که محضر همه شما وعده دادیم، به سراغ نظر اهل بیت (علیهم السلام) برویم و ببینیم نظر آن بزرگواران راجع به بحث ثقلین و مصداق اهل بیت که ذکر شده است، چیست.

درست است جوی که ایجاد شده و برنامه‌ای که پایه و بنیان آن بر او استوار شده است، پاسخ به شبهات وهابیتی است که یک سری مسائل را مطرح می‌کنند.

به جهت اینکه ما تا اینجا پیش آمدیم، باید این فرصت را غنیمت بشماریم و ببینیم اهل بیت (علیهم السلام) راجع به لفظ اهل بیت در این نوع روایات در آیه تطهیر و حدیث ثقلین چه نظری دارند. ما از محضر حضرت استاد بهره مند می‌شویم.

بررسی مصداق «اهل بیت» در کلام ائمه اطهار (علیهم السلام)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با اهل بیت اگر بخواهیم از منابع شیعه نقل کنیم، حداقل باید چندین جلسه مفصل صحبت کنیم و در رابطه با مصداق ثقلین از زبان رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین و ائمه دیگر مطالبی بیان کنیم.

بنده تنها از باب: «ما لا یدرک کله لا یتدرک کله» یکی دو مورد با بررسی سندی عرض می‌کنم. روایتی در کتاب «عیون أخبار الرضا» در رابطه با مصداق اهل بیت آمده است که چنین است:

«سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صِ إِنْ مَخَلَّفَ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي مَنْ

الْعِثْرَةُ»

شخصی از امیرالمؤمنین سؤال کرد معنای گفتار رسول الله که فرمودند: من در میان شما دو چیز گرانبها به امانت می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم؛ چیست؟ عترت چه کسانی هستند؟

«فَقَالَ أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَيُّمَةُ التَّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيَهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ
كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرُدُّوا عَلَي رَسُولِ اللَّهِ ص حَوْضَهُ»

حضرت فرمود: مقصود از عترت من و حسن و حسین و نه تن از فرزندان فرزندانم حسین. نفر نهمی
مهدی و قائم عترت است. اینان از قرآن جدا نخواهند شد تا آنگاه که در کنار حوض خدمت پیغمبر اکرم
برسند.

عیون أخبار الرضا عليه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی،
ناشر: نشر جهان، تهران، 1378 ق، ج 1، ص 57، ح 25

عزیزان به سند روایت هم دقت کنند. راوی اول «احمد بن زیاد همدانی» است که «شیخ صدوق» در مورد
ایشان می‌نویسد:

«و کان رجلاً ثقة دیناً فاضلاً رحمة الله علیه و رضوانه»

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج
2، ص 369، ح 6

راوی دوم «علی بن ابراهیم بن هاشم» است که «نجاشی» در مورد او می‌نویسد:

«القمی، ثقة فی الحدیث، ثبت، معتمد، صحیح المذهب»

فهرست اسماء مصنفی الشيعة، نویسنده: النجاشی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعه
المدرسين بقم المشرفه، قم، 1365 ش؛ ص 260، شماره 680

راوی سوم «ابراهیم بن هاشم» است آیت الله العظمی خوئی در مورد ایشان می‌نویسد:

«لا ینبغی الشک فی وثاقه ابراهیم بن هاشم»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج 1، ص 291، ح 332

راوی چهارم «ابن ابی عمیر» است که از اصحاب اجماع و مشایخ الثقات است، به طوری که «نجاشی» در مورد او می‌نویسد:

«جلیل القدر عظیم المنزلة فینا وعند المخالفین»

فهرست اسماء مصنفی الشیعة، نویسنده: النجاشی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعه

المدرسین بقم المشرفه، قم، 1365 ش؛ ص 326، شماره 887

راوی آخر هم «غیاث بن ابراهیم» است که «نجاشی» او را ثقه می‌داند. وثاقت راویان نشانگر این است که سند روایت صددرصد صحیح است.

روایت دیگری در کتاب «خصال» اثر «شیخ صدوق» آمده است. در کتاب «خصال» جلد اول صفحه 65 نقل شده است که رسول گرامی اسلام در حجة الوداع خطبه‌ای خواند.

حضرت در این خطبه فرمودند که فردای قیامت در کنار حوض کوثر من از شما سؤال خواهم کرد:

«وَمَا دَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي»

با ثقلین بعد از من چه برخوردی داشتید.

«فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ خَلْفْتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلْقَوْنِي»

زمانی که با من ملاقات می‌کنید، ببینید برخورد شما با کتاب و عترت چطور است.

«قَالُوا وَ مَا هَذَانِ الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ»

مردم پرسیدند: یا رسول الله! این دو ثقل و یادگار شما چیست؟!

«قَالَ أَمَّا الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكَتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَبَبٌ مَمْدُودٌ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّي فِي أَيْدِيكُمْ طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَ الطَّرْفُ الْأَخْرَجُ بِأَيْدِيكُمْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَ أَمَّا الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ خَلِيفَةُ الْقُرْآنِ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ عِثْرَتُهُ ع»

رسول گرامی اسلام در ادامه می‌فرماید:

«وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 66، ح 98

بازهم «شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین» روایت مفصلی در صفحه 279 آورده است. امیرالمؤمنین در شورای شش نفره آن پنج نفر را سوگند دادند و فرمودند که شما را به خدا سوگند پیغمبر اکرم فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلِ بَيْتِي فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لئَلَّا تَضِلُّوا فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي وَ عَهْدَ إِلَيَّ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»

ای مردم! همانا در میان شما دو چیز به امانت می‌گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیت. پس زمانی که به آن دو چنگ بزنید گمراه نخواهید شد، زیرا خدای لطیف و آگاه به من سفارش کرده که این دو هرگز از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند.

«فَقَامَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ وَ هُوَ شَبُهُ الْمُغْضَبِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ كُلُّ أَهْلِ بَيْتِكَ»

سپس عمر بن خطاب در حالتی که شبیه غضب داشت، بلند شد و گفت: یا رسول الله! آیا مراد تمام

اهلبیت توست؟!

«فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ أَوْصِيائِي مِنْهُمْ أَوْلُهُمْ أَحِي وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي وَ وَلي كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ

بَعْدِي هُوَ أَوْلُهُمْ»

حضرت فرمود: خیر، اوصیایی از آنها که اولین نفر برادر من و وزیر من و وارث من و خلیفه من در امتم و ولی همه مؤمنین بعد از من است.

«ثُمَّ ابْنِي الْحَسَنُ ثُمَّ ابْنِي الْحُسَيْنِ ثُمَّ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاجِدٌ بَعْدَ وَاجِدٍ»

سپس فرزندان حسن و سپس فرزندان حسین و سپس نه تن از فرزندان حسین یکی پس از دیگری هستند.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 279، ح 25

روایت صددرصد صحیح است و در آن هیچ شکی نیست. جالب اینجاست که در کتاب «تفسیر ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه» جلد یازدهم روایتی در این زمینه آمده است.

«سدی» از قول «ابو دیلم» نقل می‌کند که وقتی اسرا وارد شام شدند، یکی مردان شامی به حضرت طعنه‌ای زدند. امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«أما قرأت في الأحزاب (إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا)»

سپس می‌نویسد:

«قال نعم ولأنتم هم»

مرد شامی گفت: بله، آیا شما همین اهلبیت هستید؟

«قال نعم»

حضرت فرمود: بله.

القرآن العظيم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر - بيروت
- 1401، ج 3، ص 487، باب الأحزاب: (32 - 34) يا نساء النبي... ..

امام سجاد (عليه السلام) به صراحت فرمودند که مراد از (أهل البيت) در این آیه شریفه ما هستیم.

همچنین «تفسیر ابن ابی حاتم» از قول امام حسن مجتبی (علیه السلام) نقل می‌کند که بعد از شهادت حضرت
امیرالمؤمنین روی منبر رفتند و فرمودند:

«يا أهل العراق، اتقوا الله فينا فإننا أمراؤكم وضيغانكم، ونحن أهل البيت الذي قال الله: * (إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ
لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)»

سپس می‌نویسد:

«فما زال يقولها حتى ما بقى أحد من اهل المسجد إلا وهو يحن بكاء»

حضرت مرتب این آیه را تکرار می‌کرد به طوری که مردم حاضر در مسجد با صدای بلند گریه می‌کردند.

تفسیر القرآن العظيم، المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي،
الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: 327هـ)، المحقق: أسعد محمد الطيب، الناشر: مكتبة نزار
مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الثالثة - 1419 هـ ج 9، ص 3132، ح 17676

از این بهتر و واضح‌تر بیان شود؟! آقای «هیثمی» در کتاب «مجمع الزوائد» جلد نهم همین عبارت را می‌آورد:

«يا أهل العراق اتقوا الله فينا فإننا أمراؤكم وضيغانكم ونحن أهل البيت الذين قال الله عز وجل) إنما يريد
الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا (فما زال يومئذ يتكلم حتى ما ترى في المسجد
إلا باكيا»

در ادامه می‌نویسد:

«رواه الطبرانی ورجاله ثقات»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن أبی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار
الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - 1407، ج 9، ص 172، باب فی فضل أهل البيت رضی الله عنهم

در رابطه با قضیه حضرت سجاد هم در کتاب «تفسیر طبری» جلد بیست و دوم همین تعبیر را نقل می‌کند و
می‌نویسد:

«قال علی بن الحسین لرجل من أهل الشام أما قرأت فی الأحزاب إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس
أهل البيت ویطهرکم تطهیراً»

امام سجاد به مردی از اهل شام فرمود: آیا آیه شریفه (إِنَّمَا یریدُ اللهُ لیذهبَ عنکمُ الرجسَ أهلَ البیتِ
ویطهرکمُ تطهیراً) را قرائت نکردی؟

«قال ولأنتم هم»

مرد شامی گفت: بله، آیا شما همین اهلبیت هستید؟

«قال نعم»

حضرت فرمود: بله.

جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر، دار
النشر: دار الفکر - بیروت - 1405، ج 22، ص 8، باب الأحزاب: (32 - 33) یا نساء النبی... ..

این روایات همگی نشانگر این است که مسئله اهلبیت کاملاً واضح و روشن است. بنده عرض کردم که دو سه
مورد نمونه از کتب شیعه و اهل سنت از قول اهلبیت آوردم که مراد از اهلبیت چه کسانی است.

تمامی این روایات از قول اهل بیت اعم از رسول گرامی اسلام، امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی و امام سجاد (علیهم السلام) مطرح شده است.

ما روایات در این خصوص از قول امام صادق و دیگر ائمه اطهار الی ماشاءالله داریم، به طوری که اگر بنده بخواهم این روایات را بیان کنم باید چندین جلسه در رابطه با آیه تطهیر و حدیث ثقلین از دیدگاه ائمه اطهار مطالبی بیان کنم.

به قول معروف می گویند: در خانه اگر کس است، یک حرف بس است! من در خدمت شما هستم.

مجری:

سلامت باشید، بزرگوارید. این نکته بسیار دقیقی هست که ما امروز مشاهده می کنیم افرادی به اسم شیعه یک سری مسلمانی که تا چندی پیش جزو متواترات و اجماعات شیعه و نمادهای شیعه بودن بوده است را زیر سؤال می برند.

بنابراین جا دارد در همین برنامه یک پیشگیری انجام شود. چه بسا بازهم امثال این مذاهبی که الآن هم متأسفانه بسیار با آنها سروکله می زنیم، القاء شبهه کنند.

همانطور که ملاحظه می کنید افرادی تماس می گیرند و خود را شیعه معرفی می کنند، اما بویی از عقاید شیعه به مشامشان نرسیده است.

قطعاً زمانی که این مطالب بیان می شود باید نظر اهل بیت را هم ببینیم. چنین نباشد که فردا هم شخصی پیدا شود که بگوید اهل بیت اصلاً چنین افرادی نبودند یا بگویند من شیعه هستم، اما این قضیه را قبول ندارم.

بنابراین چه زیبا بود این تأکید حضرتعالی نسبت به این بحث که از اهل بیت هم راجع به این بحث شنیدیم.

حاج آقا روندی که اهل سنت آن را پی می‌گیرند، این است که در بسیاری مواقع ادعا می‌کنند که امیرالمؤمنین نسبت به خلافت خودشان صحبتی نداشتند و در مناسبت‌هایی که پیش آمده بود اصلاً این قضیه را ابراز نکردند.

حضرتعالی بارها و بارها به این شبهه پاسخ دادید. حال اگر ما بخواهیم همین منش و همین روش را نسبت به این بحث پیاده کنیم، آیا همسران رسول گرامی اسلام ادعا داشتند که ما داخل در این آیه بودیم یا ما جزو اهلبیت در حدیث ثقلین بودیم؟!

آیا طبق منابع اهل سنت، «آیه تطهیر» شامل همسران پیامبر نیز می‌شود؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال بسیار زیبایی است. ما چندین سال قبل در همایش زاهدان حضور داشتیم. یکی از علمای اهل سنت حرف زیبایی زد که بنده از این حرف خیلی خوشم آمد.

او گفت: عایشه هر فضیلتی که در حق خود و خانواده‌اش بود را در ملاء عام مطرح کرده و از هیچ کوششی در این زمینه فروگذار نکرده است. او هرآنچه که از فضیلت برای خودش امکان پذیر بود را فروگذار نکرده است. این در صورتی است که ما حتی یک روایت ضعیف هم نداریم که عایشه ادعا کرده باشد من مشمول آیه تطهیر هستم!!

بنده از انصاف ایشان خیلی خوشم آمد. اهل سنت برادران و عزیزان ما هستند. ما هم شیعه هستیم و با همدیگر دعوا نداریم. زمانی که بعضی افراد علی رغم اینکه سنی هستند انصاف به خرج می‌دهند، انسان از انصاف او لذت می‌برد.

در کتاب «صحیح مسلم» حدیث 2408 روایتی نقل شده است که از «زید بن أرقم» سؤال می‌کنند اهل‌بیت پیغمبر اکرم چه کسانی هستند؟

«مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ نِسَاؤُهُ؟»

آیا زنان پیغمبر جزو اهل‌بیت هستند؟

«قَالَ لَا وَأَيْمَ اللَّهِ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرَ مِنَ الدَّهْرِ ثُمَّ يَطْلُقُهَا فَتَرْجِعُ إِلَى أَبِيهَا»

او گفت: خیر، به خدا سوگند یک زن با همسرش عمری زندگی می‌کند و بعد از آنکه طلاق گرفت به خانه پدری‌اش برمی‌گردد.

«وَقَوْمَهَا أَهْلُ بَيْتِهِ أَضْلُهُ وَعَصْبَتُهُ الَّذِينَ حُرِّمُوا الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1874، ح 2408

در این صورت نمی‌گویند این زن اهل‌بیت آن مرد است، بلکه می‌گویند او اهل‌بیت پدر و مادرش است.

اگر زن جزو اهل‌بیت همسر باشد، با طلاق دادن نباید اهل‌بیت منسوخ شود. این قضیه خیلی واضح و روشن است. «نووی» متوفای 676 هجری که از او به «فقیه الأمة» تعبیر می‌کنند، می‌نویسد:

«والمعروف في معظم الروايات في غير مسلم انه قال نساؤه لسن من اهل بيته»

در معظم روایات غیر از صحیح مسلم آمده است که زنان پیغمبر جزو اهل‌بیت رسول الله نبودند.

صحیح مسلم بشرح النووی، اسم المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مری النووی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت - 1392، الطبعة: الطبعة الثانية، ج 15، ص 180، باب من فضائل علی بن أبی طالب رضی الله عنه

آقای «آلوسی» وقتی به اینجا می‌رسد، می‌گوید که این روایات و مسائلی که آمده است نشان می‌دهد:

«أن النساء المطهرات غير داخلات في أهل البيت الذين هم أحد الثقلين»

زنان پیغمبر داخل نیستند در اهل بیتی که یکی از ثقلین هست.

«لأن عترة الرجل كما في الصحاح نسله ورهطه الأدنون»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 22، ص 16، باب الأحزاب: (33) وقرن فی بیوتکن

جالب اینجاست که در کتاب «تاریخ دمشق» روایتی از قول «أم سلمه» نقل شده است که می‌گوید:

«فقلت يا رسول الله ألسنت من أهل البيت»

من گفتم: ای پیغمبر خدا! آیا من از اهل بیت هستم؟

«قال إنك على خير إنك من أزواج النبي وما قال إنك من أهل البيت»

پیغمبر اکرم فرمود: تو انسان خوبی هستی. تو از همسران پیغمبر اکرم هستی و جزو اهل بیت نیستی.

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 14، ص 145، باب آخر الجزء الحادی والسبعین بعد المائة

آقای «سیوطی» در کتاب «الدر المنثور» همین تعبیر را دارد و می نویسد:

«قلت: یا رسول الله ألسنت من أهل البيت»

من گفتم: ای پیغمبر خدا! آیا من از اهلیت هستم؟

«قال: أنك إلى خیر أنك من أزواج النبی»

تو انسان خوبی هستی. تو از همسران پیغمبر اکرم هستی

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الکرمال جلال الدین السیوطی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1993، ج 6، ص 604، باب الأحزاب: (33) وقرن فی بیوتکن... ..

بنابراین ازواج پیغمبر اکرم جزو اهلیت نیستند. «احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» خود جلد 6 روایتی نقل می کند که خیلی جالب است. «أم سلمه» می گوید: با وجود اینکه پیغمبر اکرم فرمود تو جزو اهلیت نیستی، من دیدم آیه تطهیر خیلی مهم است.

«فَرَفَعْتُ الكساءَ لَأَدْخُلَ مَعَهُمْ»

به همین خاطر عبا را بالا بردم تا به زور داخل کساء شوم.

«فَجَذَبَهُ من یدی وقال أنك علی خیر»

پیغمبر اکرم عبا را از دست من کشید و گفت: تو انسان خوبی هستی.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة
قرطبة - مصر، ج 6، ص 323، ح 26789

محقق این کتاب هم می‌گوید: این حدیث صحیح است. «ابو یعلی» در کتاب «مسند» خود جلد 12 صفحه
344 می‌گوید:

«قالت أم سلمة فرفعت الكساء لأدخل معهم»

أم سلمه می‌گوید: من عبا را بالا بردم تا به زور داخل کساء شوم.

«فجذبه رسول الله من يدي وقال إنك على خير»

مسند أبي يعلى، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلى التميمي، دار النشر: دار
المأمون للتراث - دمشق - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، تحقيق: حسين سليم أسد، ج 12، ص 344،
ح 6912

آقای «طحاوی» در کتاب «شرح مشکل الآثار» همین تعبیر را دارد و می‌گوید:

«قالت أم سلمة فرفعت الكساء لأدخل معهم فجدبه رسول الله وقال إنك على خير»

شرح مشکل الآثار، اسم المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی، دار النشر: مؤسسة
الرسالة - لبنان / بيروت - 1408 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، ج 2، ص 242،
باب بيان مُشکل ما روى عن رسول الله عليه السلام فى المراد بقوله تعالى إنما يريد الله ليذهب عنكم
الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا من هم

«سیوطی» و دیگران هم همین تعبیر را دارند. جالب اینجاست که آقای «طحاوی» متوفای 321 هجری که کتاب‌هایش کتب درسی حوزه‌های علمیه است، در کتاب «شرح مشکل الآثار» جلد 2 صفحه 244 مطلبی در این زمینه آورده است.

ایشان می‌نویسد که وقتی پیغمبر اکرم اجازه نداد «أم سلمه» وارد شود، ایشان عرضه می‌دارد:

«فَوَدِدْتُ أَنَّهُ قَالَ نَعْمَ فَكَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا تَطَّلُعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَتَغْرُبُ»

دوست داشتم که حضرت بگوید بله، زیرا اگر بله می‌گفت از تمام ثروت روی زمین که آفتاب بر او غروب می‌کند و طلوع می‌کند با ارزش‌تر بود.

شرح مشکل الآثار، اسم المؤلف: أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الطحاوی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان / بيروت - 1408 هـ - 1987 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، ج 2، ص 244،
بَابُ بَيَانِ مُشْكِلي مَا رَوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُرَادِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ
الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا مِنْ هُمْ

«حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» هم همین تعبیر را آورده است:

«قالت أم سلمة يا رسول الله ما أنا من أهل البيت»

من گفتم: ای پیغمبر خدا! آیا من از اهلبیت هستم؟

«قال إنك أهلى خير وهؤلاء أهل بيتى اللهم أهلى أحق»

و می‌نویسد:

«هذا حديث صحيح على شرط البخارى ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج
2، ص 451، ح 3558

جالب اینجاست که در کتاب «صحيح سنن ترمذی» همین تعبیر آمده است و می‌نویسد که «أم سلمه» گفت:

«وَأَنَا مَعَهُمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ»

أم سلمه آمد و گفت: من هم با آنها هستم؟

«قَالَ أَنْتِ عَلَى مَكَانِكَ وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ»

حضرت فرمود: تو انسان خوبی هستی، اما سر جاییت بایست!

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمی، دار النشر:
دار إحياء التراث العربی - بيروت -، تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج 5، ص 351، ح 3205

«احمد بن حنبل» در کتاب «مسند» خود جلد 6 صفحه 296 نقل می‌کند که «أم سلمه» گفت وقتی من
می‌خواستم داخل کساء شوم پیغمبر اکرم فرمود:

«قَوْمِي فَتَنَّا لِي عَنْ أَهْلِ بَيْتِي»

بلند شو بیرون برو و مرا با اهلبیتم تنها بگذار.

«قَالَتْ فَفُئْتُ فَتَنَّا فِي الْبَيْتِ قَرِيبًا»

أم سلمه می‌گوید: من گوشه‌ای با فاصله از اهلبیت ایستادم.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - مصر، ج 6، ص 296، ح 26582

«ابن كثير دمشقي» در كتاب «تفسير» خود جلد سوم صفحه 486 روايتی از قول عايشه نقل می‌کند. «ابن حوشب» از عم خود نقل می‌کند که با پدرم بر عايشه وارد شدیم و در رابطه با علی بن أبی طالب سؤال کردم.

«فَقَالَتْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا تَسَأَلُنِي عَنْ رَجُلٍ كَانَ مِنْ أَحَبِّ النَّاسِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ»

عايشه گفت: از مردی سؤال می‌کنی که محبوب‌ترین فرد در نزد پیغمبر اکرم بود.

«لَقَدْ رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ دَعَا عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَأَلْقَى عَلَيْهِمْ ثُوبًا فَقَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي

فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»

دیدم پیغمبر، علی بن أبی طالب و فاطمه و حسن و حسین را خواند و پارچه‌ای بر روی آنها انداخت و فرمود: خدایا اینها اهل بیت من هستند. هرگونه رجس و پلیدی را از آنها دور کن و آنها را پاک بدار.

«قَالَتْ: فَذَنُوبٌ مِنْهُمْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ»

عايشه می‌گوید نزدیک پیغمبر رفتم و گفتم: یا رسول الله! من هم از اهل بیت هستم؟

«فَقَالَ تَنْحَى فِإِنَّكَ عَلِيٌّ خَيْرٌ»

پیغمبر اکرم فرمود: از اهل بیت من دور شو، تو انسان خوبی هستی.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر -

بیروت - 1401، ج 3، ص 486، باب الأحزاب: (32 - 34) یا نساء النبی... ..

آیا با وجود این روایات بازهم جا دارد که ما بیاییم داستان سرایی کنیم و افسانه سرایی کنیم و بگوییم همسران پیغمبر اکرم و فرزندان ابوطالب و فرزندان عباس در زمره اهل بیت محسوب می‌شوند؟!

این همانند این است که انسان در روز روشن خورشید را نادیده بگیرد و بگوید در آسمان ستاره بزرگی هست.

مجری:

بسیار زیبا فرمودید، مخصوصاً با این نکته‌ای که حضرتعالی اشاره فرمودید که بالاخره گاهی اوقات یک سری افراد تواضع می‌کنند.

ما بسیاری مواقع وقتی شرح زیارات ائمه اطهار (علیهم السلام) را می‌خواهیم در اصل سند می‌بینیم گفتند ما مأمور هستیم این را به شما انتقال بدهیم، والا دأب ما این نیست که بخواهیم اینگونه بیان‌ها را نسبت به خودمان ارائه بدهیم.

گاهی اوقات بعضی از همسران پیغمبر اکرم این مسائل را نقل نمی‌کنند و ما می‌گوییم که اینها به خاطر تواضعشان بوده است، اما وقتی می‌بینیم فردی مثل عایشه همانطور که مستنداً دیدیم هرچه بود و نبود را در وصف خود بیان می‌کند قضیه طور دیگری است.

ایشان ادعا می‌کند که بنده نزد خود آیات قرآنی دارم که تنها من آنها را دارم و هیچکسی از آنها خبر ندارد و بزر آنها را خورده است.

افرادی که چنین فضیلت‌هایی برای خودشان بیان می‌کنند اگر هیچ چیزی نقل نکنند، کاملاً روشنگر این است که هیچ چیزی وجود نداشته است و خودشان هم به عدم وجود آن تصریح کردند.

بخش آخر برنامه هست. ان شاءالله فاصله‌ای می‌گیریم و بعد از آن به سراغ تماس‌های شما عزیزان برویم که هم سوالاتتان را فرستادید و هم پشت خط هستید. ان شاءالله فرصت شود تا پاسخگوی تمام نظرات و تماس‌های شما عزیزان باشیم.

عرض سلام مجدد خدمت همه شما بینندگان عزیز و ارجمند. در این فرصت آخر بدون فوت وقت به سراغ تماس‌های شما عزیزان برویم که تماس‌های بسیار زیادی هم با برنامه گرفته شده است.

تماس بینندگان برنامه:

جناب آقای محمد رضا از لاهیجان پشت خط هستند. آقا محمد رضا در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقا محمد رضا از لاهیجان - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام و خسته نباشید خدمت حاج آقا قزوینی عزیز و همچنین مجری عزیز برنامه.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

بیننده:

ببخشید از اینکه مزاحمتان شدم. حاج آقا قزوینی اگر یادتان باشد بنده هفته گذشته تماس گرفته بودم و در مورد ترک اولی و ولایت تشریحی سؤالی از شما پرسیدم.

بنده جواب شما را روی برگه نوشتم و براساس فرمایشات شما می‌خواستم مطالبی را مطرح کنم. بنده در ادامه گوشی را قطع می‌کنم و جواب‌های شما را در این زمینه می‌شنوم.

مجری:

فقط مختصراً بفرمایید تا ان شاءالله فرصت به دیگر عزیزان هم برسد.

بیننده:

بنده تنها به ترک اولی اشاره می‌کنم و دیگر مباحث را برای وقتی دیگر می‌گذارم تا فرصت دیگر عزیزان هم گرفته نشود.

حاج آقا قزوینی شما روایاتی در خصوص ترک اولی آوردید و فرمودید که اهل بیت ترک اولی را مرتکب نمی‌شوند و روایات در واقع به این مطلب صراحت داشتند.

مطلبی که در اینجا وارد است، ادعیه‌ای است که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است.

معمولاً اگر به ما شیعیان اشکال بگیرند که این ادعیه‌ای که از طرف اهل بیت وارد شده است مشتمل بر استغفار هست، ما اینطور توجیه می‌کنیم که آنها جنبه آموزشی دارند. بنده می‌خواهم بگویم که این توجیها در همه جا کاربرد ندارد.

به عنوان مثال در مورد ادعیه‌ای که از طرف امیرالمؤمنین وارد شده است و شما هم بهتر می‌دانید، حضرت در دل شب راز و نیاز می‌کردند و گریه می‌کردند و ناله می‌زدند.

بنده می‌خواهم بگویم ادعیه‌ای که با این کیفیت از طرف اهل بیت وارد شده است، اگر ما بخواهیم آن را توجیه کنیم که تنها و تنها حاوی جنبه آموزشی هست زیاد جور در نمی‌آید و به گونه‌ای بی‌معناست.

بنده می‌خواهم بگویم اگر نام این فعل امیرالمؤمنین که در دل شب گریه می‌کردند را جنبه آموزشی بگذاریم، زیاد جور در نمی‌آید.

بنده فکر می‌کنم بحث فراتر از جنبه آموزشی است و احساس می‌کنم همان ترک اولی هست که انجام دادند و شاید از روی «[حسنات الأبرار سیئات المقربین](#)» باشد.

اگر شما هم عقیده بنده هستید و این اشکال را قبول دارید، چطور بین این ادعیه با این کیفیت و آن روایاتی که شما فرمودید جمع می‌کنید. همچنین اگر قبول ندارید، چه جوابی در مورد این ادعیه دارید. ببخشید از اینکه وقت شما را گرفتم، یا علی مدد، خدانگهدار.

مجری:

سلامت باشید، یا علی مدد، خدانگهدار شما باشد. آقا محمد رضا از شما تشکر می‌کنیم که از لاهیجان با برنامه خودتان تماس گرفتید و این دغدغه خودتان را مطرح کردید.

جناب آقای عدالتی از مشهد پشت خط هستند. آقای عدالتی در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای عدالتی از مشهد - شیعه):

سلام، حالتان خوب است؟

مجری:

سلام علیکم، سلامت باشید، در خدمت شما هستیم.

بیننده:

سلام دارم خدمت استاد آیت الله قزوینی عزیز.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

بیننده:

حاج آقا بنده دو سؤال داشتم. سؤال اول بنده در مورد ضمیر (کن) در آیه 73 از سوره مبارکه هود است و می‌خواستم در این خصوص توضیحاتی بفرمایید.

مجری:

ظاهراً ارتباط قطع شده است. ان شاءالله راجع به خود ضمیر هم اگر مشخص است سؤالشان چیست حضرت استاد توضیحاتی بیان می‌کنند.

به سراغ تماس بعد برویم. جناب آقای بازیار از یاسوج پشت خط هستند. آقای بازیار در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای بازیار از یاسوج - شیعه):

بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام خدمت حضرتعالی مجری محترم و عرض سلام خدمت حضرت استاد و تشکر از بیانات و مطالب خوبشان و همچنین عرض سلام خدمت بینندگان عزیز و محترم.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

بیننده:

بنده می‌خواهم از قرآن چند مطلب بگویم در تأیید مباحثی که حضرت استاد فرمودند.

مجری:

آقای بازیار عزیز فرصت بسیار محدود است و عزیزان پشت خط هم زیاد هستند. اگر مختصراً بفرمایید از شما ممنونیم.

بیننده:

بله، حتماً. در آیه 4 از سوره مبارکه احقاف آمده است:

(اَتْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا اَوْ اَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

کتابی آسمانی پیش از این، یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید (که دلیل صدق گفتار شما باشد) اگر راست می‌گوئید.

سوره احقاف (46): آیه 4

این آیه تأکید دارد که وقتی می‌خواهید مطلبی را بگویید باید یا دلیل نقلی بیاورید و یا دلیل عقلی بیاورید. دلیل نقلی در بحث خودمان هم می‌تواند از قرآن کریم باشد و هم از روایات باشد. حضرت استاد بسیار خوب و جامع آیه 33 سوره احزاب را از بُعد نقلی تحلیل کردند و بحث روایی آن را مطرح کردند. بنده می‌خواهم چند مطلب کوتاه در مباحث قرآنی بگویم. خداوند متعال در آیه 30 از سوره مبارکه بقره می‌فرماید:

(وَ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِى الْاَرْضِ خَلِيْفَةً)

هنگامی که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد.

سوره بقره (2): آیه 30

به بیان بهتر (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) یک جمله ادامه دار است، به این معنا که من همیشه در روی زمین خلیفه و جانشین دارم. این قید (جَاعِلٌ) است و در قوس صعود از زمین شروع می‌شود.

یک روز حضرت آدم جانشین خداوند متعال است، یک روز انبیاء دیگر هستند، یک روز پیغمبر اکرم هستند، یک روز امیرالمؤمنین هست و روزی جانشینان دیگر هستند تا حضرت صاحب الزمان که در حال حاضر خلیفه و جانشین هستند.

این قضیه بسیار مهم است. حال سؤال اینجاست که خلیفه چه کسی می‌تواند باشد. اینجاست که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا)

سپس علم اسماء (علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات) را همگی به آدم آموخت.

سوره بقره (2): آیه 31

این شخص عالم به تمام اسماء الهی است، به این معنا که خلیفه کسی است که عالم به تمام اسماء الهی باشد. خلیفه تمام صفات مستخلف عنه را دارد، به این معنا که پیغمبر اکرم تمام اسماء فعلی الهی را از خداوند عالم فراگرفته و تمام آنها را دارد.

یکی از اسماء الهی هم همین تعیین جانشین است. همانطور که خداوند عالم جانشین تعیین کرده است، پیغمبر اکرم هم باید جانشین تعیین کنند. این هم یکی از اسماء الهی است که پیغمبر اکرم فراگرفته است.

بنابراین نمی‌توان گفت که پیغمبر اکرم جانشینی تعیین نکرده است. این خیلی مطلب مهمی است.

همانطور که خداوند عالم جانشین تعیین کرده است، پیغمبر اکرم هم که عالم به تمام اسماء الهی هستند جانشین تعیین کردند. این خیلی مطلب قوی و مهمی است و نمی‌توان آن را رد کرد.

مجری:

آقا بازیار عزیز طیب الله. به دلیل اینکه عزیزان پشت خط زیاد هستند، اگر فرصت شد در جلسات آینده مابقی نکات شما که قطعاً نکات جالبی هستند را مورد بررسی قرار خواهیم داد. مطلب بسیار جامع و قابل استفاده‌ای بود و از شما تشکر می‌کنیم.

جناب آقای مؤذن از تبریز پشت خط ارتباطی هستند. آقای مؤذن در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای مؤذن از تبریز - شیعه):

با عرض سلام خدمت حضرت آیت الله قزوینی و خدمت مجری محترم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

بیننده:

بنده دو سه سؤال داشتم و می‌خواستم آنها را عرض کنم. سؤال اول اینکه آیا اینکه ما می‌گوییم مراد از اهل بیت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین هستند، در انبیاء گذشته هم این مصداق بوده که ازواج پیغمبر اهل بیتشان نبودند؟!

آیا این از خصوصیات پیغمبر خاتم است که ما اهل بیت حضرت را چهار نفر به همراه ائمه معصومین می‌دانیم یا انبیاء گذشته هم چنین بودند؟!

سؤال دوم اینکه در میان راویان دو نفر با نام «ابوبصیر» وجود دارد. ما از کجا بدانیم که این «ابوبصیر» کدام یک از آنهاست؟! آیا هر دو نفر ثقه هستند یا یکی از آنها ضعیف است؟!

سؤال سوم در خصوص «سهل بن زیاد» است. آیا «سهل بن زیاد» در رجال شیعه شخصی ثقه است یا ایشان ضعیف هستند؟!

سؤال چهارم این است که می‌خواستم بپرسم ترجمه سه جلد کتاب «نقد اصول مذهب الشيعة الإثنية عشرية» به طور کامل چاپ شده است یا خیر. تشکر از لطف شما، خدانگهدار.

مجری:

سلامت باشید، خدا حفظتان کند که از تبریز همراه ما بودید. جناب آقای هاشمی از قم پشت خط هستند. آقای هاشمی صدایتان را می‌شنویم و در خدمت شما هستیم، بفرمایید:

بیننده (آقای هاشمی از قم - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت استاد قزوینی محترم و همچنین خدمت آقای مرعشی و بینندگان محترم.

مجری:

علیکم السلام و رحمة الله.

بیننده:

استاد من سؤالی داشتم در رابطه با مصداق اهل بیت. البته بنده هیچ مسئله و شکی ندارم که اهل بیت همین دوازده نفر هستند، اما «شیخ مفید» در کتاب «المسائل الجارودیه» عبارتی دارد که می‌گوید:

«لأن جميع بنی هاشم عترة النبی صلی الله علیه وآله وأهل بیته بلا اختلاف»

المسائل الجارودية_أو المسائل الزيدية، المؤلف: الشيخ المفيد، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان
العكبري البغدادي (413 - 336 هـ)، الناشر: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد - قم، الطبعة: الأولى

1413 هـ ص 40

ایشان در مناقشه با زیدیه چنین حرفی می‌زند، جواب این چیست. بنده دو خواهش دیگر هم دارم که آن را سریع عرض می‌کنم.

اینکه وقتی من بچه بودم «شبکه جهانی ولایت» را نگاه می‌کردم، برنامه‌ای به اسم «تریبون آزاد» بود. در این برنامه وقت نیست همه سؤالات مطرح شود، اما آن زمان می‌شد همه بینندگان تماس بگیرند و سؤالات خود را مطرح کنند.

بنده جای چنین برنامه‌ای را در «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» خالی می‌بینم. اگر امکان دارد چنین برنامه‌ای را در این شبکه هم جا بدهید. همچنین اگر امکان دارد «استاد ابوالقاسمی» را در برنامه‌ها بیاورید.

تابستان وقتی برنامه‌های شبکه را نگاه می‌کردیم ایشان هم حضور داشتند، اما ما سه ماه خارج رفتیم و برگشتیم مشاهده کردیم «استاد ابوالقاسمی» از برنامه‌ها حذف شدند و تنها در ویژه برنامه‌ها می‌آیند. اگر امکان دارند ایشان را به برنامه برگردانید.

مجری:

جناب آقای هاشمی بسیار از شما ممنونم. راجع به «تریبون آزاد» نقداً خدمت شما عرض کنم که همین الآن در دست اقدام هست. در حال حاضر برنامه ریزی‌های آن را انجام می‌دهند که این برنامه هم وصل شود و روی آنتن برود.

ان شاء الله راجع به «استاد ابوالقاسمی» هم در آینده هماهنگی‌هایی با ایشان انجام خواهد شد.

اگر عزیزان اتاق فرمان اجازه بدهند ما به همین مقدار کفایت کنیم و به سراغ پاسخها برویم تا ان شاءالله برسیم پاسخها را هم به طور کامل مطرح کنیم.

آیا استغفار ائمه اطهار (علیهم السلام) از باب ترک اولی بوده است؟!

حضرت استاد! آقا محمد رضا از لاهیجان پرسیدند ترک اولی با نحوه استغفار ائمه اطهار و بعضی از صحبت‌هایی که در شب زنده داری‌هایشان انجام می‌دادند سازگار نیست.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آیا این عزیزان معتقدند پیغمبر اکرم ترک اولی می‌کردند یا خیر؟! اگر این قضیه نسبت به رسول گرامی اسلام حل شود، نسبت به ائمه اطهار هم حل می‌شود. قرآن کریم خطاب به رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

(وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ)

و برای گناهت استغفار نما.

سوره غافر (40): آیه 55

آن بزرگوار در آنجا چه توجیهی دارند؟!

(وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ)

و برای گناه خود و مردان و زنان با ایمان استغفار کن.

سوره محمد (47): آیه 19

همچنین در روایاتی داریم که پیغمبر اکرم فرمودند: من هر روز هفتاد مرتبه استغفار می‌کنم.

ایشان در این خصوص چه جوابی دارند؟! اگر ایشان معتقد است که نبی گرامی اسلام ترک اولی می‌کردند، خیلی مصیبت است و نمی‌توان نسبت به رسول اکرم این ادعا را داشته باشیم.

بنده با تعبیر «**حسنات الأبرار سیئات المقربین**» و توجیهی که ایشان یا بعضی از بزرگواران دارند هزار درصد مخالف هستم. بعضی از بزرگان دارند:

«**وأمثال هذه التعابير إشارة إلى ترك الأولى، فإن حسنات الأبرار سيئات المقربين**»

الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل، نویسنده: الشیخ ناصر مکارم شیرازی، ج 16، ص 366، باب 3 هل

أن ظهور النبي من علامات قرب القيامة؟

ما قطعاً این نظریه را نظریه درستی نمی‌دانیم. ائمه اطهار (علیهم السلام) طبق آیه تطهیر از هرگونه پلیدی مبرا بودند. ترک اولی هم همین است. خداوند متعال هرچه نقص باشد را از آن بزرگوار دور کرده است، همانطور که از نبی گرامی اسلام دور کرده است.

حال این پاسخ که دعاهای ائمه اطهار برای آموزش به بشریت بوده است، در خصوص بعضی از دعاهای امیرالمؤمنین همین پاسخ مطرح می‌شود که برای آموزش است. به عنوان مثال حضرت به «کمیل بن زیاد نخعی» فرمودند که دعا را این چنین بخوان.

گاهی اوقات در منابع آمده است که امیرالمؤمنین در دل شب گریه می‌کنند و همانند مار گزیده به خود می‌پیچد و می‌فرماید:

«**إِلَهِي إِنْ طَالَ فِي عَضْيَانِكَ عُمْرِي وَ عَظْمَ فِي الصُّخْفِ دَنْبِي فَمَا أَنَا مُؤْمَلٌ غَيْرَ غُفْرَانِكَ وَ لَا أَنَا بِرَاحٍ غَيْرَ**

رَضْوَانِكَ»

سپس می‌فرماید:

«آه مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ الْأَكْبَادَ وَ الْكَلَى آهٍ مِنْ نَارٍ نَزَّاعَةٍ لِلشَّوَى آهٍ مِنْ عَمْرَةٍ مِنْ مُلْهَبَاتٍ لَطَى»

الأمالی (للسدوق): نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: 381 ق، ناشر: کتابچی،

مکان چاپ: تهران، سال چاپ: 1376 ش، نوبت چاپ: ششم؛ ص 78

زمانی که انسان این مناجات‌ها را می‌خواند، واقعاً بدنش به لرزه می‌افتد. این مناجات‌ها برای آموزش نیست. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خدا را شناخت و خوب هم شناخت. اگر خداوند عالم به امیرالمؤمنین فرمود که تو را بهشت می‌برم، دستشان بسته نیست.

خداوند عالم فعال ما یشاء است، به طوری که امیرالمؤمنین می‌فرماید: خدایا! اگر فردای قیامت دستور دهی فرزند ابوطالب را به جهنم ببرند، چه کسی می‌تواند به تو اعتراض کند؟!

در تمامی این مناجات‌ها خوف و رجاء همانند دو کفه ترازوست، به طوری که «لو وزن هذا علی هذا لم یزد هذا علی هذا!»! خوف و رجاء در همه جا بوده است.

رسول گرامی اسلام به پشت بام می‌رود و به قدری گریه می‌کند که اشک چشمانش خاک پشت بام را خیس می‌کند. حضرت در مناجات خود می‌فرماید:

«رَبِّ لَا تَكَلِّبْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 2،

ص 581، ح 15

«أم سلمه» نزد حضرت می‌آید و عرضه می‌دارد: آیا شخصی همانند شما این حرف را می‌زند؟! پیامبر می‌فرماید: خداوند عالم برادرم حضرت یونس را یک لحظه به خودش وا گذاشت و سر از شکم نهنگ درآورد. قرآن کریم می‌فرماید:

(وَلَا تَكُنْ كصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ)

و مانند صاحب ماهی (یونس) نباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد) در آن زمان که خدا را خواند در حالی که مملو از اندوه بود.

سوره قلم (68): آیه 48

قرآن کریم به پیغمبر اکرم می‌فرماید: همانند حضرت یونس نباش، بلکه همانند حضرت ابراهیم باش. خداوند متعال نسبت به حضرت ابراهیم می‌فرماید:

(وَ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

و پیرو آئین خالص و پاک ابراهیم گردد.

سوره نساء (4): آیه 125

آن بزرگواران مقاماتی نزد خداوند عالم دارند که عقل ما به آنجا نمی‌رسد.

مسئله دیگری هم در اینجا مطرح است که بعضی از اهل سنت هم آن را آورده‌اند. «حاشیه اعانة الطالبین» خیلی مفصل مطرح می‌کند که پیغمبر اکرم فرمودند:

«إِنَّهُ لِيَغَانِ عَلَى قَلْبِي حَتَّى أَسْتَغْفِرَ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ سَبْعِينَ مَرَّةً»

زمانی که قلبم را زنگار می‌گیرد، هر روز هفتاد بار استغفار می‌کنم.

ایشان در اینجا می‌نویسند:

«فإن الغرض منه إرشاد الأمة لكثرة استغفارهم عند غفلتهم»

حاشیه‌ی إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین لشرح قرّة العین بمهمات الدین، اسم المؤلف: أبی بکر ابن السید محمد شطا الدمیاطی، دار النشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت، ج 1، ص 132، باب (قوله غفرانک) أی اغفر لی غفرانک أو أطلب غفرانک

علمای اهل سنت هم بر این عقیده هستند که پیغمبر اکرم می‌خواهند با این وضع به مردم یک آموزش عملی بدهند.

انگیزه استغفار هم این است که رسول گرامی اسلام و ائمه اطهار مقاماتی نزد خداوند عالم دارند، به طوری که اگر یک لحظه از آن مقام و حضور غفلت می‌کنند آن را برای خودشان گناه تصور می‌کنند. همانطور که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«الْعَارِفُ شَخْصُهُ مَعَ الْخَلْقِ وَ قَلْبُهُ مَعَ اللَّهِ»

عارف همواره جسمش با مردم و قلبش با خداوند است.

«لَوْ سَهَا قَلْبُهُ عَنِ اللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ لَمَاتَ شَوْقاً إِلَيْهِ»

اگر عارف یک چشم به هم زدن از خدا غفلت کند، از غصه می‌میرد.

مصباح الشریعة، نویسنده: منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، ص 191، الباب الواحد

و التسعون فی المعرفة

این مسائل مربوط به ترک اولی نیست، بلکه مراتبی در بالا وجود دارد که عقل ما به آنجا نمی‌رسد. عرفا زمانی که نسبت به مرتبه بالا یک لحظه غفلت می‌کنند، استغفار می‌کنند. استغفار ائمه اطهار وجود دارد، اما اصلاً عقل ما به آنجا نمی‌رسد. حالاتی که؛

«مَا لَا يَحْتَمِلُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ»

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، نویسنده: صفار، محمد بن حسن، محقق /

مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ج 1، ص 23، ح 11

ما حالاتی با خداوند عالم داریم که هیچ پیغمبر مرسل یا ملک مقربی عقل و فکرش به آنجا نمی‌رسد.

مجری:

بسیارخوب، خیلی عالی، الحمدلله استفاده کردیم. عزیزانی که سؤال داشتند جناب آقای مؤذن از تبریز بودند که چند سؤال مطرح کردند. ما در حد دو دقیقه فرصت داریم و اگر بتوانیم به یکی از این سؤالات پاسخ دهیم.

ایشان پرسیدند که مراد از اهلبیت را فهمیدیم. آیا انبیاء گذشته هم افرادی به عنوان اهلبیت داشتند یا خیر؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله؛

«فَمَا مَضَى نَبِيٍّ إِلَّا وَ لَهُ أَوْصِيَاءُ»

هیچ پیغمبری نبود جز اینکه اوصیائی داشتند.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح:

مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ج 15، ص 63، ح 17543

اوصیاء هر پیغمبری اهلبیت آن پیغمبر الهی محسوب می‌شدند. همانطور که در قرآن کریم نقل شده است که حضرت موسی می‌فرماید:

(وَ قَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ)

و موسی به برادرش هارون گفت جانشین من در میان قوم من باش و (آن‌ها را) اصلاح کن و از روش
مفسدان پیروی منما.

سوره اعراف (7): آیه 142

همچنین در رابطه با حضرت ابراهیم کلمه اهل بیت در قرآن کریم استعمال شده است. این دیگر واژه قرآنی
است.

مجری:

بسیار خوب. در خصوص سؤالات دیگرشان اگر این قابلیت را دارد که با تأیید یا عدم تأیید بفرمایید، پاسخ
دهید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خیلی سریع بیان کنید.

مجری:

ایشان راجع به «ابوبصیر» پرسیدند که اگر دو مورد داشتیم، باید کدام یک را موثق بدانیم؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمایند: هرچایی «ابوبصیر» مطلق آمده است، مراد
«ابوبصیر اسدی» است که ثقة است و انصراف به «ابوبصیر اسدی» ثقة دارد.

مجری:

ایشان راجع به «سهل بن زیاد» هم سؤال پرسیدند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

«سهل بن زیاد آدمی» را بعضی از فقها ضعیف و بعضی دیگر ثقه می‌دانند و دلیل آن هم اختلاف «مرحوم شیخ طوسی» است. «شیخ طوسی» در کتاب «فهرست» خود ایشان را تضعیف کرده و در کتاب «رجال» خود او را توثیق کرده است.

آنچه بعضی از بزرگان دارند، این است که نظریه اخیر یک فقیه حجت است. کتاب «رجال» بعد از «فهرست» نوشته شده است و این نظر ایشان است.

علاوه بر اینکه «سهل بن زیاد آدمی» یکی از شخصیت‌های برجسته شیعه است و روایات متعددی دارد. بزرگان ما ام از «کلینی» و «شیخ طوسی» و دیگران روایات زیادی از ایشان نقل کرده است.

علاوه بر اینکه به هیچ وجه برای ما امکان پذیر نیست بخواهیم روایات «سهل بن زیاد» را کنار بگذاریم. ایشان از دیدگاه بنده صددرصد ثقه هست و هیچ شبهه‌ای در وثاقت «سهل بن زیاد آدمی» نداریم. اگر فرصت داشتیم، بنده ادله خود را مطرح می‌کردم.

این بیننده عزیزمان کتاب بنده به نام «المدخل إلى علم الرجال و الدراية» که کتاب درسی حوزه علمیه هست را مطالعه کنند، بنده مفصل در رابطه با وثاقت «سهل بن زیاد» بحث کردم.

مجری:

بسیارخوب. ایشان راجع به ترجمه کتاب «نقد اصول مذهب الشيعة الإثني عشرية» هم سؤال پرسیدند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این کتاب چندین سال است ترجمه شده و دوستان هم آن را آماده کردند و منتظر هستند تا بنده به این کتاب نگاهی داشته باشم و اگر اشکالاتی دارد آنها را برطرف کنم. بنده جلد اول را کاملاً نگاه کردم و دوستان هم اشکالات آن را برطرف کردند.

ان شاء الله امسال زمانی که تعطیلی‌ها شروع شود، تصمیم جدی داریم که شبانه روز روی این کتاب کار کنیم. البته اگر امسال هم نشد تصمیم داریم قبل از تابستان شش جلد ترجمه «نقد قفاری» چاپ شود.

مجری:

بسیارخوب، ان شاء الله. سؤال آقای هاشمی برای جلسه آینده باقی ماند. ان شاء الله سؤال ایشان را ثبت می‌کنیم تا در جلسه آینده بپرسیم و پاسخ را از حضرت استاد دریافت کنیم.

حضرت استاد بسیار از محضرتان استفاده کردیم. ان شاء الله بتوانیم عامل باشیم و این معارف الهی را درک کنیم و بتوانیم مبلغ خوبی برای مکتب بوده باشیم. تشکر می‌کنم از همه شما عزیزان که تا انتهای برنامه همراه برنامه «حبل المتین» بودید.

اللهم اجعل محيانا محيا محمد و آل محمد اللهم اجعل مماتنا ممات محمد و آل محمد اللهم صل على محمد و آل محمد

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته